



معنا،
ویژگی‌ها و مصادیق
صراط مستقیم
در قرآن کریم

دکتر قاسم بستانی
دانشگاه شهید چمران اهواز
زهر اکرنی
کارشناس ارشد علوم قرآن و حدیث

چکیده

صراط مستقیم، در حدود ۴۵ آیه قرآن به کار رفته و یکی از این آیات، آیه ششم سوره فاتحه الکتاب: «اهدنا الصراط المستقیم» است که مسلمانان، آن را روزانه حداقل ۱۰ بار در نمازهای خود قرائت می‌کنند. این تعبیر در قرآن، به چه معنا، به کار رفته است؟ ویژگی‌های آن چیست؟ مصادیق آن کدامند؟ آرای دانشمندان مسلمان در این باره چیست؟ نهایت آن که اصطلاح صراط مستقیم مسلمانان را به چه نوع رفتاری نسبت به دیگر ادیان رهنمون می‌سازد؟ در مقاله پیش رو سعی شده تا حد امکان، به پرسش‌های بالا و هم چنین برخی ابهامات در مورد صراط مستقیم، با تکیه بر مطالعه کتابخانه‌ای پرداخته شود. کلید واژه: قرآن، صراط مستقیم، سبیل، طریق، هدایت.

معنای لغوی صراط و مترادف های آن

در قرآن کریم، واژه صراط، در کنار دو واژه مترادف دیگر به کار رفته که اکنون، از نظرگاه لغوی، بررسی شده و وجوه تشابه و اختلاف آن‌ها تبیین می‌شود:

الف) صراط: کلمه «صراط»، از ماده «سرت» به معنای بلعید، بوده که «س» آن، به «صاد» تبدیل شده است. گویی، جاده رونده اش را می‌بلعد. هم‌چنین گفته شده که اصل در این ماده، راه آشکار و گسترده است، خواه مادی باشد یا معنوی. هم‌چنین گفته شده که این کلمه، با ضم «صراط»، به معنای شمشیر بوده و با سین، «سراط» لغتی در خوردن می‌باشد.

به دین نیز، «صراط» گفته شده است. زیرا، سالک خویش را به بهشت می‌رساند هم چنانکه «صراط»، رونده اش را به مقصد می‌رساند.^۱

ب) طریق: طریق، یعنی، راه، از آن جهت که کوپیده و هموار شده است. از ریشه «طرق» به معنای کوپیدن یا سخت کوپیدن است.^۲

ج) سبیل: سبیل، به معنای راه آسان است.^۳

تفاوت صراط، سبیل و طریق با یکدیگر

الف) در قرآن، «صراط»: فقط به صورت مفرد آمده است. در حالی که «سبیل» در قرآن، به شکل جمع، یعنی سبل: (عنکبوت/ ۶۹، نحل/ ۶۹، انعام/ ۱۵۳) نیز، به کار رفته است. **ب) گفته شده که سبیل هم در راه‌های مادی:** «و الله جعل لكم الارض بساطا* لتسلکوا منها سبلا فجاجا» (نوح، ۷۱/ ۱۹-۲۰)، «سلک لكم فيها سبلا» (طه، ۲۰/ ۵۳)... و هم، در راه‌های معنوی: «فی سبیل الله» (نور، ۲۴/ ۲۲)، «غیر سبیل المؤمنین» (نساء، ۴/ ۱۱۵)، ... به کار رفته است. اما صراط فقط، در راه‌های معنوی به کار رفته است.^۴

چنین تفاوتی دقیق نیست. زیرا، در قرآن، صراط به معنای راه‌های مادی نیز آمده است: «و لا تقعدوا بكل صراط توعدون و تصدون عن سبیل الله» (اعراف، ۷/ ۸۶)، «و لو نشاء لطمسنا علی أعینهم فاستبقوا الصراط فأنی یبصرون» (یس، ۳۶/ ۶۶)، «أفمن یمشی مکبا علی وجهه اهدی أمن یمشی سویا علی صراط مستقیم» (ملک، ۶۷/ ۲۲)، «فاهدوهم الی صراط الجحیم» (صافات، ۳۷/ ۲۳).

ج) در کاربرد معنوی، سبیل برای خیر و شر، هر دو به چشم می خورد، در حالی که صراط، فقط برای خیر به کار رفته است. باید دانست که این دو کاربرد خیر و شر، در حالت جمع می باشد. راه شر، مانند: «و لا تتبعوا السبل فتفرق بكم عن سبيله» (انعام، ۶/۱۵۳)، و راه خیر مثل: «یهدی به الله من اتبع رضوانه سبیل السلام» (مائده، ۱۶/۵).

د) سبیل گوناگون بوده و صراط، واحد می باشد. این مطلب، با آیات قرآنی مورد استناد در این مقاله، به خوبی آشکار می باشد.

معنای لغوی مستقیم

«مستقیم»، اسم فاعل از مصدر استقامت، بر وزن استفعال، از ریشه «قوم» است. در اصل، به معنای طلب قیام بر انجام کاری است. مستقیم و استقامت، وصف برای راه و نیز انسان است: «فاستقیموا الیه» (فصلت، ۶/۴۱)، «ان الذین قالوا ربنا الله ثم استقاموا» (فصلت، ۳۰/۴۱)، «فاستقم كما امرت» (هود، ۱۱/۱۱۲)، در آیه اول، منظور، راهی است که بر خط راست و مانند آن قرار دارد، در آیه دوم، به معنای ملازم بودن انسان، بر راه مستقیم است.^۵

علت توصیف صراط به مستقیم

در باره علت توصیف صراط به مستقیم می توان به این نظرات اشاره کرد:

الف) وقتی گفته می شود: «اهدنا الصراط المستقیم»، به سه دلیل است:

۱. نزدیک ترین خط و کوتاه ترین آن، برای رسیدن بنده ناتوان و ضعیف به خداست.
۲. طریق مستقیم، یکی است و غیر آن، خطوط بی شمار است که گاه به یک دیگر شبیه بوده و بنده در درخواست خود از خدا، طلب راهی را می کند که در آن، ترس دور شدن و هیچ شبهه ای نباشد.

۳. طریق مستقیم، انسان را به مقصود می رساند. اما، غیر آن، چنین نیست.^۶

ب) «صراط»، به معنای راه مستقیم و راست است و توصیف «صراط» به «مستقیم»، در این جا برای تأکید هر چه بیش تر بر مستقیم بودن «صراط» می باشد.^۷

دیگر اوصاف صراط در قرآن

در قرآن، افزون بر وصف مستقیم، از دو وصف دیگر برای صراط استفاده شده است که عبارتند از:

۱. علیّ = برتر: «صراط علیّ مستقیم» (حجر، ۴۱/۱۵).
۲. سویّ = هموار: «الصراط السویّ» (طه، ۱۳۵/۲۰)، «صراطا سویّا» (مریم، ۴۳/۱۹) و نیز: «سواء الصراط» (ص، ۲۲/۳۸) که از گونه اضافه صفت به موصوف است.

نحوه کاربرد صراط در قرآن:

واژه «صراط»، در قرآن ۴۵ بار در شکل های زیر به کار رفته است:

الف) متصف به مستقیم، بی فاصله که بیش تر موارد، چنین است، مانند: «اهدنا الصّراط المستقیم» (حمد، ۷/۱)، «والله یهدی من یشاء الی صراط مستقیم»، «و من یشأ یجعله علی صراط مستقیم» (انعام، ۳۹/۶)، یا با فاصله، مانند: «صراط علیّ مستقیم» (حجر، ۴۱/۱۵).
ب) مضاف به خداوند و سپس، وصف با مستقیم، مانند: «و هذا صراط ربک مستقیما»، «قال فبما أغویتنی لأقعدنّ لهم صراطک المستقیم»، «و انّ هذا صراطی مستقیما فاتبعوه» یا مضاف به ضمیر عائد به خداوند و سپس، وصف با مستقیم، مانند: «لأقعدن لهم صراطک المستقیم».

ج) متصف به غیر مستقیم، مانند: «فستعلمون من أصحاب الصراط السویّ» (طه، ۲۰/۱۳۵)، «فاتبعنی أهدک صراطا سویّا» (مریم، ۴۳/۱۹).

د) مضاف به الله فقط، مانند: «صراط الله الذی له ...» (شوری، ۵۲/۴۲).

هـ) مضاف به یکی از نام های حسناى الله، مانند: «و هدوا الی صراط الحمید» (حج، ۲۴/۲۲)، «و یتهدی الی صراط العزیز الحمید» (سبا، ۶/۳۴).

ز) مضاف به غیر الله یا نام های حسناى او، مانند: «صراط الذین أنعمت علیهم» (حمد، ۷/۱)، «من دون الله فاهدوهم الی صراط الجحیم» (صافات، ۲۳/۳۷).

ح) به صورت مطلق، مانند: «بکلّ صراط توعدون» (اعراف، ۸۶/۷)، «فاستبقوا الصراط» (یس، ۶۶/۳۶).

انواع صراط

به طور کلی می توان، صراط های مستقیم را بر دو گونه دانست:

صراط مستقیم تکوینی: پدیده های این جهان، در حال حرکت و تغییر و تحول هستند. حرکتی منظم و در مسیری خاص دارند. همه بدون استثنا در جهت معینی هدایت شده اند. آیات بسیاری در قرآن، این مطلب را تایید می کند، مانند: «قال ربنا الذی اعطى کل شیء خلقه ثم هدی» (طه، ۵۰/۲۰)، «الذی خلق فسوی والذی قدر فهدی» (اعلی، ۳/۸۷).^۸

صراط مستقیم تشریحی: همه از جمله انسان، از لحاظ تکوینی بر صراط مستقیم هستند. اما، انسان - از آن جهت که خلقت ویژه ای داشته و آزاد آفریده شده - همیشه در حال گزینش است و نوعی حرکت به سوی مقصد را بر می گزیند. از آن جا که آدمی همیشه در برابر چند راهی ها قرار گرفته، برای انتخاب، نیاز به قانون و معیار دارد. در میان راه های اختیاری، یک راه است که مستقیم و شاهراه است. از این رو، صراط مستقیم دیگری برای انسان مطرح بوده و آن، صراط مستقیم تشریحی است که در نماز، هدایت به سوی آن را از خداوند می خواهیم: «اهدنا الصراط المستقیم». آن صراط، صراط مخصوصی بوده و از این رو، معرف به «ال» آمده است. هم چنان که خطاب به پیامبر (ص) آمده است: «قل انئی هدانی ربی الی صراط مستقیم دینا قیما مله ابراهیم حنیفا» (انعام، ۱۴۱/۶). بیش تر آیات مورد استناد این مقاله، در جهت اثبات این معنا یا استوار شده بر آن می باشند.

مصادیق صراط مستقیم

برای صراط مستقیم در قرآن، و در احادیث، مصادیق گوناگون است. اینک، مصادیق قرآنی صراط مستقیم بیان می شود:

راه خدا: «إِنَّ رَبِّيَ عَلَى صِرَاطٍ مُسْتَقِيمٍ» (هود، ۵۶/۱۱).

راه پیامبر خدا: «إِنَّكَ لَمِنَ الْمُرْسَلِينَ عَلَى صِرَاطٍ مُسْتَقِيمٍ» (یس، ۴۳/۳۶).

راه تمسک به قرآن: «فَاسْتَمْسِكْ بِالَّذِي أُوحِيَ إِلَيْكَ عَلَى صِرَاطٍ مُسْتَقِيمٍ» (زخرف،

۴۳/۴۳).

راه موسی و هارون: «وهدیناهما الصراط المستقیم» (صافات، ۱۱۸/۳۷).

راه ابراهیم: «شاکرا لانعمه اجتباہ و ہداه الی صراط مستقیم» (نحل، ۱۶/۱۲۱).
 راه همه پیامبران: «و تلک حجّتنا آتیناها ابراهیم علی قومہ نرفع درجات من نشاء ان ربک حکیم علیم*» و ہبنا لہ اسحاق کلاً ہدینا و نوحا ہدینا من قبل و من ذریتہ داود و سلیمان و ایوب و یوسف و ہارون و کذلک نجزی المحسنین* و زکریا و یحییٰ و عیسیٰ و الیاس کل من الصالحین* و اسماعیل و الیسع و یونس و لوطا و کلاً فضلنا علی العالمین* و من آبائہم و ذریّاتہم و اخوانہم و اجتبیناہم و ہدیناہم الی صراط مستقیم» (انعام، ۶/۸۳-۸۷).

۷. راه پرستش خداوند: «إن اللہ ربی و ربکم فاعبدوہ هذا صراط مستقیم» (آل عمران، ۳/۵۱) و نیز: (زخرف، ۴۳/۶۴)، (مریم، ۱۹/۳۶).

۸. راه ایمان آورندگان واقعی به روز قیامت: «و لیعلم الذین أوتوا العلم أنه الحق من ربک فیؤمنوا بہ فتخبث لہ قلوبہم و إن اللہ لہاد الذین ءامنوا الی صراط مستقیم» (حج، ۲۲/۵۴).

۹. راه نعمت داده شدگان: «صراط الذین أنعمت علیہم» (حمد، ۱/۷). در جایی دیگر، درشناساندن برخورداران از این نعمت، چنین می فرماید: «و من یطع اللہ و رسولہ فأولئک مع الذین أنعم اللہ علیہم من النبیین و الصّٰدِیقِیْن و الشّٰہِدَاء و الصّٰلِحِیْن و حسن أولئک رفیقاً» (نساء، ۴/۶۹).

چگونگی هدایت به صراط مستقیم

در قرآن، دو گونه هدایت به صراط مستقیم آمده است:

الف) هدایت مقید به صفاتی در هدایت شوندگان:

این صفات، عبارتند از:

الف. اطاعت رسول خدا (ص)، تسلیم محض قلبی و عملی، در برابر حکم پیامبر (ص) و عمل به مواعظ الهی: «و ما أرسلنا من رسول الا لیطاع یاذن اللہ...» *فلا و ربک لایؤمنون حتی یحکموا فیما شجر بینہم ثم لایجدون فی انفسہم حرجا ممّا قضیت و یسلّموا تسلیماً* ... و لو أنّہم فعلوا ما یوعظون بہ لکان خیرا لہم و أشدّ تثبیتاً* ... و لہدیناہم صراطا مستقیماً» (نساء، ۴/۶۷-۶۴).

ب. ایمان به خدا و تمسک به او: «فأما الذين آمنوا بالله و اعتصموا به فسيدخلهم في رحمة منه و فضل و يهديهم اليه صراطا مستقيما» (نساء، ۱۷۵/۴)، «ان الله لهاد الذين آمنوا الى صراط مستقيم» (حج، ۵۴/۲۲).

ج. جلب رضایت خداوند: «يهدى به الله من اتبع رضوانه سبيل السلام و يخرجهم من الظلمات الى النور باذنه و يهديهم الى صراط مستقيم» (مائده، ۱۶/۵).

ب) هدایت مقید به مشیت خداوند:

در آیات زیر، بدین گونه هدایت اشاره شده است: «الله يهدى من يشاء الى صراط مستقيم» (بقره، ۱۴۲/۲؛ بقره، ۲۱۳/۲؛ یونس، ۱۰/۲۵؛ نور، ۲۴/۴۶)، «و الذين كذبوا بآياتنا صم و بكم في الظلمات من يشاء الله يضلله و من يشأ يجعله على صراط مستقيم» (انعام، ۳۹/۶).

آشکار است که با توجه به گونه یکم از هدایت و با توجه به اصل اختیار و انتخاب آدمی، تأویل آیات دسته دوم، این گونه است؛

«مشیت الهی، در جهت اراده و انتخاب ایمان، اطاعت و عمل صالح به وسیله انسان شکل می گیرد. در این باره، باید به حدیث زیر اشاره شود: شخصی از امام رضا(ع) می پرسد: آیا خدا مشیت و اراده ای، در فعل بنده دارد؟ حضرت می فرماید: اما، در طاعات، پس، اراده و مشیت خداوند، واداشتن به طاعات و رضایت از آن ها و کمک به آن هاست. و اراده و مشیت خداوند در معاصی، بازداشتن از معاصی و خشم نسبت به آن ها و خوار کردن به دلیل آن هاست».^۹

انحراف یافتگان از صراط

در سوره حمد، آیه ۷، دو گروه، به دور از صراط مستقیم شناسانده شده اند:

۱. مغضوبین ۲. ضالین.

هر چند که در نهایت، این دو گروه، یک گروه می باشند. اما، از آن جا که این دو تعبیر، جدا از هم آمده، اینک برخی مصادیق قرآنی این دو وصف بیان می شود:

مصادیق مغضوبین:

۱. ناسپاسان سرکش: «و لا تطغوا فيه فيحل عليكم غضبي» (طه، ۸۱/۲۰).
۲. بهانه گیران، لجوجان، کافران به آیات الهی، قاتلان پیامبران و در کل، عصیان گران

در برابر حق و حقیقت «و إذ قلتم یا موسیٰ لن نصبر علی طعام واحد فادع لنا ربک ینخرج لنا مما تنبت الارض من بقلها و قثائها و فومها و عدسها و بصلها قال أتستبدلون الذی هو أدنی بالذی هو خیر اهبطوا مصرا فإن لکم ما سألتم و ضربت علیهم الذلّة و المسکنه و باؤوا بغضب من الله» (بقره، ۶۱/۱)، (آل عمران، ۱۱۲/۳). (مصدق شأن نزول این آیه، یهودیان است) ۳. کافران به رسالت: «بئسما اشتروا به أنفُسهم أن یکفروا بما أنزل الله بغیا أن ینزل الله من فضله علی من یشاء من عباده فباؤوا بغضب علی غضب و للكافرين عذاب مهین» (بقره، ۲/۹۰). (مصدق شأن نزول این آیه، اهل کتاب هستند).

۳. آدم کشان به ناحق: «و من یقتل مومنا متعمداً فجزاءه جهنم خالداً فیها و غضب الله علیه» (نساء، ۹۳/۴).

۴. گوساله پرستان بنی اسرائیل: «انّ الذین اتّخذوا العجل سینالهم غضب من ربّهم» (اعراف، ۱۵۲/۷).

۵. بداندیشان و بدگمانان، نسبت به خدا: «الظانین باللّه ظنّ السوء علیهم دائرة السوء و غضب الله علیهم» (فتح، ۶/۴۸).

مصادیق ضالین:

۱. تبدیل کنندگان ایمان خود، به کفر: «من یتبدل الکفر بالایمان فقد ضلّ سواء السبیل» (بقره، ۱۰۸/۲).

۲. مسلمانانی که دشمنان خدا و مؤمنان را، دوست خود می گیرند (در وضعیت جنگ و محاربه): «یا ایها الذین آمنوا لاتتخذوا عدوی و عدوکم اولیاء... و من یفعله منکم فقد ضلّ سواء السبیل» (ممتحنه، ۱/۶۰).

۳. مشرکان: «و من یشرک باللّه فقد ضلّ ضلّالاً بعیدا» (نساء، ۱۱۶/۴)، «قل انّی نهیت أن أعبد الذین تدعون من دون الله قل لا أتبع أهواءکم قد ضللت إذا و ما أنا من المهتدین» (انعام، ۵۶/۶) و نیز (انعام، ۷۴/۶).

۴. کافران: «و من یکفر باللّه و ملائکته و کتبه و رسله و الیوم الآخر فقد ضلّ ضلّالاً بعیدا» (نساء، ۱۳۶/۴)، «و لقد أخذ الله میثاق بنی اسرائیل و بعنا منهم اثنی عشر نقیبا و قال الله انّی معکم لئن أقمتم الصلاة و آتیتم الزکوة و آمنتم برسلی و عزرتموهم و أقرضتم الله

قرضا حسنا لأكفرنّ عنكم سيئاتكم و لأدخلنكم جنات تجري من تحتها الأنهار فمن كفر بعد ذلك منكم فقد ضلّ سواء السبيل» (مائده، ١٢/٥)، «و الذين كذبوا بآياتنا صمّ و بكم فى الظلمات من يشأ الله يضلله و من يشأ يجعله على صراط مستقيم» (انعام، ٣٩/٦)

٥ . عصيان گران : «و من يعص الله و رسوله فقد ضلّ ضلّالا مبينا» (احزاب، ٣٦/٣٣) .

٦ . كافران بازدارنده از حق و گمراه كننده مردم : «إِنَّ الَّذِينَ كَفَرُوا وَ صَدَّوْا عَنْ سَبِيلِ اللَّهِ قَدْ ضَلُّوا ضَلَالًا بَعِيدًا» (نساء، ١٦٧/٤)، «الَّذِينَ يَسْتَحِبُّونَ الْحَيَاةَ الدُّنْيَا عَلَى الْآخِرَةِ وَ يَصُدُّونَ عَنِ سَبِيلِ اللَّهِ وَ يَبْغُونَهَا عِوَجًا أُولَئِكَ فِي ضَلَالٍ بَعِيدٍ» (ابراهيم، ٣/١٤) .

٧ . منافقان : «فما لكم فى المنافقين فئتين و الله أركسهم بما كسبوا أتريدون أن تهدوا من أضلّ الله و من يضلّل الله فلن تجد له سبيلا» (نساء، ٨٨/٤) و نیز : (نساء، ١٤٣-١٤٢) .

٨ . غاليلان در دين : «قل يا أهل الكتاب لا تغلوا فى دينكم غير الحق و لا تتبعوا أهواء قوم قد ضلّوا من قبل و أضلّوا كثيرا و ضلّوا عن سواء السبيل» (مائده، ٧٧/٥) .

٩ . پیروان ظن : «و إن تطع أكثر من فى الارض يضلوك عن سبيل الله إن يتبعون إلا الظن و إن هم إلا يخرصون» (انعام، ١١٦/٦) .

١٠ . جاهلان و مفتريان بر خداوند : «قد خسر الذين قتلوا أولادهم سفها بغير علم و حرّموا ما رزقهم الله افتراء على الله قد ضلّوا و ما كانوا مهتدين» (انعام، ١٤٠/٦) .

١١ . كسانى كه از ابزارهاى تفكر و تأمل ، بهره نمى برند : «و لقد ذرأنا لجهنم كثيرا من الجنّ و الانس لهم قلوب لا يفقهون بها و لهم أعين لا يبصرون بها و لهم آذان لا يسمعون بها أولئك كالانعام بل هم أضلّ أولئك هم الغافلون» (اعراف، ١٧٩/٧)، «أم تحسب أن أكثرهم يسمعون أو يعقلون إن هم إلا كالانعام بل هم أضلّ سبيلا» (فرقان، ٢٥/٤٤) .

١٢ . ترجيح دهندگان دنيا بر آخرت : «الذين يسحتبون الحيوه الدنيا على الآخرة و يصدون عن سبيل الله و يبيغونها عوجا أولئك فى ضلال بعيد» (ابراهيم، ٣/١٤) .

١٣ . منكران خداوند و رسالت و بهانه گيران : «انظر كيف ضربوا لك الامثال فضلوا فلا يستطيعون سبيلا» (فرقان، ٩/٢٥) .

و نیز ، منكران رسالت : «و من لا يجب داعى الله فليس بمعجز فى الارض و ليس له من دونه أولياء أولئك فى ضلال بعيد» (احقاف، ٣٢/٤٦)، «... إذ يقول الظالمون إن يتبعون إلاّ رجلا مسحورا» انظر كيف ضربوا لك الامثال فضلوا فلا يستطيعون سبيلا» (اسراء، ١٧/٤٧-٤٨) .

۱۴. پیروان هوا و هوس: «فإن لم يستجیبوا لک فاعلم أنما يتبعون أهواءهم و من أضل ممن اتبع هواه بغير هدی من الله إن الله لا یهدی القوم الظالمین» (قصص، ۲۸/۵۰)، «بل اتبع الذين ظلموا أهواءهم بغير علم فمن یهدی من أضل الله و ما لهم من ناصرین» (روم، ۲۹/۳۰).
۱۵. عصیان گران، نسبت به خدا و پیامبر (ص): «و من یعص الله و رسوله فقد ضل ضلالا مبینا» (احزاب، ۳۳/۳۶).

۱۶. منکران آخرت: «بل الذين لا یؤمنون بالآخرة فی العذاب و الضلال البعید» (سبأ، ۳۴/۸)، «ان الذين یمارون فی الساعة لفی ضلال بعید» (شوری، ۴۲/۱۸).
۱۷. سنگدلان نسبت به ذکر خداوند: «فویل للقاسیة قلوبهم من ذکر الله أولئک فی ضلال مبین» (زمر، ۳۹/۲۲).

۱۸. مجادله کنندگان بی دلیل: «قل أرأیتم إن کان من عند الله ثم کفرتم به من أضل ممن هو فی شقاق بعید» (فصلت، ۴۱/۵۲).
۱۹. مجرمان و گناهکاران: «إن المجرمین فی ضلال و سعر» (قمر، ۵۴/۴۷).

هم چنان که به چشم می خورد، غضب الهی و ضلالت، شامل گروه‌هایی با اوصافی گوناگون شده است که در حقیقت، یکی می باشند. می توان گفت که مغضوبین و اهل ضلالت همان کسانی هستند که به دین حق و اصول آن پشت کرده و در صدد تخریب آن برخاسته اند.

یکی بودن صراط مستقیم

برای اثبات آن که صراط مستقیم از نظر قرآن، یک صراط بیش تر نیست، دلایل چندی به اتکای آیات قرآنی ذکر شده است که پاره‌ای از آن، یادآوری می شود.

الف) کاربرد کلمه صراط در قرآن، به صورت مفرد.
ب) آیه شریفه: «و انّ هذا صراطی مستقیما فاتبعوه و لا تتبعوا السبل فتفرق بکم عن سبیلہ» (انعام، ۱۵۳/۶).

در باره این آیه چنین گفته شده است:

۱. کلمه «هذا»، اسم اشاره بوده و مشارالیه آن، «صراطی» است که صراحت در وحدت دارد.

۲. اضافه «صراط»، به «ی» متکلم وحده نیز، وحدت صراط را می رساند.

۳. از همه مهم تر در برابر فرمان به پیروی از صراطی ویژه، همراه با صراحت آمده است: «ولا تتبعوا السبل» که بازداشتن از تبعیت از راه‌ها و واداشتن به تبعیت از یک راه (صراط مستقیم) کرده است.

۴. روایت شده که پیامبر (ص) در جمع یاران خود، خط مستقیمی کشیده و فرمودند: «هذا سبيل الله مستقيما». سپس، خطوطی انحرافی، از چپ و راست آن ترسیم نموده و فرمودند: «و هذه السبل ليس منها سبيل الا عليه شيطان يدعو اليه؛ هيچ کدام از این راه‌ها نیست، جز آنکه شیطان، به سوی آن دعوت می‌کند». سپس، این آیه را تلاوت فرمودند: «و ان هذا صراطى مستقيما فاتبعوه و لا تتبعوا السبل»^{۱۰} (انعام، ۱۵۳/۶).

نسبت دین اسلام، به صراط مستقیم

در برابر این پرسش که آیا صراط مستقیم به دلالت مطابقی، همان دین اسلام است به معنای خاص و یا این که صراط مستقیم، اعم از دین اسلام است؟ در پاسخ می‌توان گفت؛ صراط مستقیم، اعم از دین اسلام به معنای مصطلح است و نیز، عین اسلام، به معنای کلی. در اثبات این مطلب باید گفت:

(الف) قرآن تمام پیامبران خود را - همچنان که گذشت - صراط مستقیم معرفی می‌کند. (ب) پیروان ادیان الهی را، در صورت ایمان به خداوند و روز آخرت و عمل صالح، رستگار می‌شناسد: «إن الذين آمنوا و الذين هادوا و النصارى و الصابئين من آمن بالله و اليوم الآخر و عمل صالحا فلهم أجرهم عند ربهم و لا خوف عليهم و لا هم يحزنون» (بقره، ۲/۶۲) و «إن الذين آمنوا و الذين هادوا و النصارى و الصابئين من آمن بالله و اليوم الآخر و عمل صالحا فلا خوف عليهم و لا هم يحزنون» (مائده، ۵/۶۹).

(ج) ایمان به دیگر پیامبران و کتاب‌های آسمانی و آموزه‌های آن‌ها را بر مسلمانان واجب می‌داند: «و الذين يؤمنون بما أنزل اليك و ما أنزل من قبلك» (بقره، ۲/۴)، «قولوا آمنا بالله و ما أنزل الينا و ما أنزل الى ابراهيم و اسماعيل و اسحاق و يعقوب و الاسباط و ما أوتى موسى و عيسى و ما أوتى النبيون من ربهم لا نفرق بين أحد منهم و نحن له مسلمون» (بقره، ۲/۱۳۶) و (آل عمران، ۳/۸۴)، «كل آمن بالله و ملائكته و كتبه و رسله لا نفرق بين أحد من رسله» (بقره، ۲/۲۸۵)

د) بیان می کند که تنوع دینی، امری خدایی است: «و لكل جعلنا شرعه و منهاجا» (مائده، ۴۸/۵).

از سوی دیگر، قرآن دین قابل قبول را، فقط اسلام معرفی می کند: «إِنَّ الدِّينَ عِنْدَ اللَّهِ الْإِسْلَامُ» (آل عمران، ۱۹/۳)، «و من یتبع غیر الاسلام دینا فلن یقبل منه» (آل عمران، ۸۵/۳)، «و أتممت علیکم نعمتی و رضیت لکم الاسلام دینا» (مائده، ۳)، «أفمن شرح الله صدره للاسلام فهو علی نور من ربه» (زمر، ۲۲/۳۹).

علاوه بر این دیگر پیامبران را نیز مسلمان معرفی می کند: «ما کان ابراهیم یهودیا أو نصرانیا و لکن کان حنیفا مسلما» (آل عمران، ۶۷/۳)، «ربنا و اجعلنا مسلمین لک و من ذریتنا أمّه مسلمه لک» (بقره، ۱۲۸/۲)، «ان الله اصطفی لکم الدین فلا تموتن إلا و أنتم مسلمون» (بقره، ۱۳۲/۲)، «قالوا نعبد إلهک و إله آبائک ابراهیم و اسماعیل و اسحاق إلهها واحدا و نحن له مسلمون» (بقره، ۱۳۳/۲)، «و إذ أوحیت إلی الحواریین أن آمنوا بی و برسولی قالوا آمنا و اشهد بأننا مسلمون» (مائده، ۱۱۱/۵)، «هو الذی سمّاکم المسلمین من قبل و من بعد» (حج، ۲۲/۷۸)، «و اصلح لی فی ذریتی إنی تبت إلیک و إنی من المسلمین» (احقاف، ۱۵/۴۶)، «فما وجدنا فیها غیر بیت من المسلمین» (ذاریات، ۳۶/۵۱)، و ...

با توجه به آن چه آمد، می توان نتیجه گرفت که صراط مستقیم و نیز دین اسلام در آیات یاد شده، مفهوم کلی دارد؛ به گونه ای که شامل تمام ادیان الهی می باشد. پس، صراط مستقیم، آن روح و رویکرد ادیان الهی است که بر عبادت و عدالت و توحید و معاد و عمل صالح استوار می باشد. هم چنان که در آیات بالا بدان ها تصریح شده و نیز، مانند: «قل یا أهل الکتاب تعالوا إلی کلمه سواء بیننا و بینکم ألا نعبد إلا الله و لا نشکر به شیئا و لا یتخذ بعضنا بعضا أربابا من دون الله فإن تولوا فقولوا اشهدوا بأنا مسلمون» (آل عمران، ۶۴/۳). از این منظر می توان گفت که اسلام و صراط مستقیم، بر هم منطبقند.

نتیجه گیری

در قرآن کریم، نسبت به اصطلاح صراط مستقیم و شناساندن آن و نیز، دعوت به سوی آن، توجه ویژه ای شده است. قرآن، آن را راه تمام انبیا و ادیان شناسانده است. دقت در مفهوم این اصطلاح و آیات مرتبط با آن، مسلمانان را بر آن می دارد، تا پیش از هر

چیز، نسبت به دین باوران دیگر ادیان، احساس نزدیکی کرده و اختلاف های موجود را از عوارض خواسته یا ناخواسته دینداری شمرد. و بیش تر در جهت جذب یکدیگر به سمت حقیقت توحید باشند، نه در جهت دفع یک دیگر، به سخنی دیگر، همدلی و هم زبانی و تفاهم و نقد را، جایگزین دشنام گویی و طرد و تکفیر یک دیگر سازند.



شهرتگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

۱. طبرسی، تفسیر جوامع الجامع، ۹/۱.
۲. العسکری/۳۱۳.
۳. راغب/۲۲۳.
۴. مصطفوی، ۴۴-۴۵/۵.
۵. راغب/۲۲۳، مصطفوی، ۴۵/۵، طبرسی، مجمع البیان، ۱۰۴/۱.
۶. فخر رازی، ۲۵۸/۱.
۷. راغب/۲۲۳.
۸. جوادی آملی، ۴/۶ و ۸/۱۵۷-۱۵۴، ۱۵۹.
۹. طباطبائی، ۹۸/۱۳.
۱۰. زمخشری، ۴۹/۲.